

تدبر در حدیث و سیره معصومین (علیهم السلام) - استاد ضرابی

بسم الله الرحمن الرحيم وصلى الله على محمد وآله الطاهرين

شب نهم محرم ۱۴۴۲ مطابق با جمعه ۱۳۹۹/۶/۷

السَّلَامُ عَلَى الْخَدِّ الثَّرِيبِ ، السَّلَامُ عَلَى الْمُهْتُوكِ الْخَبَاءِ ، السَّلَامُ عَلَى الْأَجْسَامِ الْعَارِيَةِ فِي الْقَلَوَاتِ - سلام بر صورت خاک آلود، سلام بر آقایی که خيام حرمتش تیرباران شد. حرمت خیمه گاهش شکسته شد. سلام بر بدن های بی پوشش که در بیابان ها افتاده بود.

از امام حسین (ع) پرسیده شد: «أَيَّ شَيْءٍ كُنْتُمْ قَبْلَ أَنْ يَخْلُقَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ آدَمَ (ع)؟ قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ كُنَّا أَشْبَاحَ نُورٍ نَدُورُ حَوْلَ عَرْشِ الرَّحْمَنِ فَتَعَلَّمَ لِلْمَلَائِكَةِ التَّسْبِيحَ وَ التَّهْلِيلَ وَ التَّحْمِيدَ - قبل از این که خداوند عزوجل آدم (ع) را خلق کند، شما چه چیزی بودید؟ فرمود: ما شبج‌هایی از نور بودیم که بر گرد عرش خدا می‌چرخیدیم و به ملائکه درس تسبیح و توحید و ستایش خدا را می‌آموختیم» (بحار الانوار، ج ۵۷ ص ۳۱۱ ح ۱)

موضوع تدبر:

تدبر در این است که دانستن شأن و اشتغال ائمه هدی علیهم السلام قبل از خلقت آدم، چه نکات تربیتی برای ما دارد؟

پاسخ:

نکات تربیتی قطعا محدود به چیزهایی که ما می‌فهمیم نیست. اما بعد از مسأله (عظمت و بزرگی جایگاه حقیقه انسان، و خلافة الهی او که واسطه فیض وجود به ما سوی الله است. و اینکه ما بذر اولیه همان انسان کاملیم و باید بخاطر داشته باشیم که جان و حقیقتی که خداوند برای ما آفریده و خواسته است که بسوی او حرکت کنیم و هیچ توقفی در این راه نداشته باشیم و بر سرعت این حرکت دائما بیفزائیم، پیامبر و اهل بیت طاهرینش هستند. و دیگر اینکه باید از آنها که اصل و حقیقت ما هستند همواره مدد بگیریم و محو و عاشق و مجنون آنها باشیم و به غیر آنها نیندیشیم که صافی‌ترین و پاک‌ترین و کامل‌ترین آئینه محبوب ازلی در عالم امکان‌اند و این عشق و طاعت و معرفت به آنها، عین توحید و پرستش خداوند است.) بعد از این نکات که همه از این روایت نورانی امام استفاده می‌شود و ما فقط به عناوین آن اشاره کردیم، نکته تربیتی که در این مختصر، موضوع تدبر ماست این است که: همه آن چیزی که از وجود مقدس پیامبر و اهل بیت او علیهم السلام به عالمیان می‌رسد، تکبیر و تسبیح و توحید و ستایش خداوند است. «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ - و من جن و انس را نیافریدم جز برای اینکه عبادتم کنند.» (الذاریات: ۵۶)

در این کلام نورانی سیدالشهداء، ذکر تکبیر نیامده و تنها تسبیح و ستایش مطرح شده است. دلیل این امر شاید این باشد که مولایمان از مقامی سخن می‌گوید (قبل از آفرینش آدم و حول عرش و تعلیم ملائکه) که قبل از آفرینش دنیا است. در چنین مقامی بر هیچ یک از خلایق پوشیده نیست که بزرگتر از خداوند، چیزی نیست و همه از او هستی می‌گیرند. این زندگی در عالم دنیا است که جهل

و ظلمت بر آن حاکم است و باید دائماً تعلیم دید و در رأس همه عبادات تکرار نمود که: الله اکبر الله اکبر... و این تکبیر لازمه ورود و صحت عبادات است.

خلاصه اینکه: در تسبیح، هر موجودی چگونگی سیر و نحوه رشد و کمال خود را از ائمه نور می‌آموزد. از عالم جمادات و نباتات و حیوانات گرفته تا سایر موجودات. در توحید، ثبات و استواری و بقاء در مسیر حرکت بسوی حق مطلق را از ائمه هدی دریافت می‌کنند که مبدا در حرکت عبادی آنها انحرافی ایجاد شود. در تحمید هم، در هر لحظه به حظ و بهره‌ای می‌رسند که خداوند از مواهب وجود و لذات و کمالات آن برایشان قرار داده است. البته این عیش و لذت و بهره، همان لذت عبادت خداوند است که به صورت چهره‌های نامتناهی از نعمتها ظاهر می‌شود و چنین لذیذ، زیبا و دوست داشتنی است. بنابراین: هدف و مقصود خلقت، چیزی جز عبادت او (جلّت عظمته) نیست.

« یا بن آدم! خلقتُ الأشياءَ كُلَّهَا لِأَجْلِكَ، وَ خَلَقْتُكَ لِأَجْلِي، وَ أَنْتَ تَفِرُّ مِنِّي. - ای فرزند آدم! همه ی اشیاء را برای تو آفریدم و تو را برای خویش ساختم، در حالی که تو از من فرار می کنی. » (تحریر المواعظ العددية، ص ۵۷۴)

به خاطر چنین معرفتی است که اصحاب مثل پروانه گرد وجود امامشان می چرخند

روضه : امان نامه

سید بن طاووس در لهوف آورده است که: فرمان عبیدالله بن زیاد پلید به عمر بن سعد نحس، به این مضمون رسید که او را فرمان می داد به تعجیل در قتال و بیم داده بود از تأخیر و اهمال. پس لشکر شیطان به امر آن بی ایمان، رو به جانب امام انس و جان آوردند و شمر ذی الجوشن، ندا در داد که کجایند خواهرزادگان من: عبدالله، جعفر، عباس، و عثمان؟ امام حسین علیه السلام به برادران گرامی خویش فرمود: جواب این شقی را بدهید گرچه او فاسق و بی دین است ولی از زمره دایی های شماست. آن جوانان برومند حیدر کرار به آن کافر غدار، فرمودند: تو را با ما چه کار است؟ آن ملعون نابکار عرضه داشت: ای نوردیدگان خواهرم! شما در امان و راحت باشید و خود را با برادران حسین، به کشتن ندهید و ملتزم قید طاعت امیرالمؤمنین(!) یزید بن معاویه باشید تا به سلامت برهید.

پس حضرت عباس(علیه السلام) به آن پلید، فریاد برآورد که دستت بریده باد و خدا لعنت کند امان نامه تو را؟! ای دشمن خدا؛ ما را امر می کنی که برادر و سیّد خود حسین فرزند فاطمه(س) را وابگذاریم و بنده طاعت لعینان و اولاد لعینان باشیم؟!

سلام بر عشق و برادری‌ات، ای مصداق فروتنی! سلام بر تو و آن دستان آب آورت، ای که سوخته دلان از دستان تو تمنای آب حیات دارند، ای ساقی!

گفت من ماه بنی‌هاشم، سرور قلب زهرایم	شبه حیدر، زاده آزاده ام‌البنینم
دست دادم در ره حق تا که یزدان داد بالم	با همه قدوسیان طیار در خلد برینم
تشنه لب در آب رفتم این سخن با خویش گفتم	من چگونه آب بنوشم شاه را عطشان ببینم

صلی الله علیک یا ابا عبدالله